



حقوق متهم از تعقیب تا اجرای مجازات در دادگاه بخش

علی سهرابزاده *

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز، اهواز، ایران.

چکیده

زمانی عدالت کیفری محقق می‌شود که اصول، قواعد و مقررات کیفری، در تمامی مراحل تحقیق‌های مقدماتی و دادرسی به‌درستی رعایت شده و شائبه‌ای در این فرایند ایجاد نشود. نظام دادرسی کیفری ایران پس از تغییرات و تبعیت‌های زیادی که از نظام‌های دیگر داشته است، با تصویب قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و اصلاحات آن در سال ۱۳۹۴، دادگاه بخش را که اصولاً رئیس بخش یا دادرس علی‌البدل به تنهایی آن را اداره می‌کند، مسؤول تعقیب متهم، تحقیق، رسیدگی، صدور حکم و اجرای مجازات قرار داده است، حال اینکه اگر همان متهم در نزدیک‌ترین شهرستان آن بخش مرتکب جرم شده بود وضع به‌گونه دیگری می‌شد. یکی از ارکان عدالت کیفری رعایت اصل بی‌طرفی است که در تمام مراحل دادرسی الزامی است، ولی شخص واحد که ابتدا در مقام تعقیب با متهم مواجه می‌شود با ایجاد ذهنیت‌های گوناگون روبرو شده تا پس از پایان مرحله تحقیق‌های مقدماتی و رسیدگی، در مرحله صدور حکم، احتمال اینکه به‌لحاظ ایجاد وضعیت خاص روحی روانی، رعایت اصل بی‌طرفی دچار خدشه شود، وجود دارد که این نوشتار در پی وضعیت حقوق متهم در حالت تزلزل اصل بی‌طرفی است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۴۵-۵۳

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید:

تلفن:

ایمیل: Ali.sadra0021@gmail.com

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۸

تاریخ ویرایش: ۱۳۹۹/۰۵/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

مقام تعقیب، مقام تحقیق، دادگاه بخش،

اصل بی‌طرفی.



مقدمه

دادرسی کیفری از دیرباز با تحولات گوناگونی روبرو بوده است و کشورها در راستای عدالت کیفری براساس نظام‌های مختلفی سعی در رسیدن به سیستمی حقوقی با حذف نقائص پیشین داشته‌اند. تبعیت از سیستم دادرسی تفتیشی، اتهامی، مختلط مؤید این امر است.

برخی با ارائه نظریه‌های خود اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق را مطرح کرده‌اند و این اصل را تشکیل‌شده از دو اصل دیگر دانسته‌اند به این صورت که اصل مزبور از یک سو به عدم مداخله مقام تعقیب در وظایف مقام تحقیق و از سوی دیگر به عدم دخالت مقام تحقیق در اقدامات تعقیبی اشاره دارد. (هادی‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۴)

قانون‌گذار ایران در مقام تقنین علی‌رغم اینکه نظام دادرسی مختلط را مورد پذیرش قرار داده است ولی از این اصل تبعیت کرده است. برای مثال: در اصلاحات ۱۳۹۴ قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ با حذف کلمه "نبودن" و جایگزین کردن کلمه "کمبود" در ماده ۸ از آن قانون، دادستان را مجاز به انجام تحقیق‌های مقدماتی در غیر جرائم موضوع ماده ۳۰۲ دانسته است.

نقض این اصل و نبود پابندی به آن، مقدمه عدم رعایت اصل بی‌طرفی است. چه اینکه دادستان که نماینده جامعه می‌باشد. در مقام تعقیب نمی‌توان وی را بی‌طرف به حساب آورد و ورود ایشان به امر تحقیق ناقض اصل بی‌طرفی محسوب می‌شود که این موضوع در دادگاه بخش به طریق اولی بیشتر نمایان است. قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نتیجه تغییرات متعدد و حذف دادرسی و احیای مجدد آن است که متأسفانه رسیدگی در دادگاه بخش به تبعیت از قوانین قبلی به همان صورت باقی‌مانده و مهم‌ترین محور نبود رعایت اصل بی‌طرفی و نبود رعایت تساوی همگان در برابر قانون به حساب می‌آید.

۱- جایگاه و ویژگی اصلی مقام تعقیب

فلسفه وجودی مقام تعقیب در دادرسی بر پایه تحقق عدالت کیفری و احقاق حقوق عمومی و تصلای خاطر جامعه در نتیجه تعقیب متهم در ابتدا و نهایتاً پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح

مرتکب می‌باشد. چه اینکه با شروع تعقیب متهم، نه تنها جامعه اطمینان خاطر حاصل کرده که نماینده ایشان در تلاش است تا متهم تعقیب و دستگیر و تحویل مرجع قضائی تحقیق داده شود، بلکه همین امر سبب پیشگیری از وقوع جرم به توسط سایرین بوده و همچنین تأثیر آن بر اصلاح متهم کنونی هم محرز و مسلم است. (خالقی، ۱۳۹۳)

از ویژگی‌های دیگر مقام تعقیب که همان دادستان یا نماینده جامعه یا مدعی‌العموم می‌باشد، پس از تعقیب متهم و تحویل آن به مقام تحقیق به جهت انجام تحقیق‌های مقدماتی، نحوه تحقیق را مدیریت کرده و موارد نقص تحقیق را به بازپرس اعلام و بازپرس مکلف به تبعیت و رفع نقص می‌باشد، پس از صدور قرار جلب به دادرسی در فرجه قانونی اقدام به صدور کیفرخواست کرده و درخصوص سایر قرارهای صادره از سوی بازپرس اعلام‌نظر کرده و در صورت ایجاد اختلاف با بازپرس موضوع به جهت حل اختلاف به دادگاه صالح ارجاع می‌شود و در نهایت پس از صدور رأی قطعی و محکومیت مرتکب، این دادستان است که با نمایندگی از جامعه اقدام به انجام تشریفات اجرای مجازات می‌کند.

از دیگر وظایف و یا ویژگی‌های مقام تعقیب، انجام برخی امور مربوط به محجورین براساس قانون امور حسبی، انجام و مدیریت کلاس‌های آموزشی در راستای پیشگیری از وقوع جرم، شرکت در جلسه‌های دادرسی در دادگاه کیفری یک و برخی پرونده‌های دادگاه کیفری دو و ... می‌توان نام برد. از موارد فوق‌الذکر می‌توان به این نتیجه رسید که مقام تعقیب مقامی بی‌طرف نبوده و اعمال مزبور به نمایندگی از جامعه انجام می‌گیرند.

۱-۱- جایگاه مقام تعقیب در دادرسی

در دادرسی که در مرکز هر استان و در سایر شهرستان‌ها با تشخیص رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌شود، دادستان، ریاست دادرسی را برعهده دارد و نه تنها آن مرجع را از لحاظ اداری مدیریت می‌کند بلکه تمامی اقدام‌های دادیاران و برخی از اقدام‌های بازپرس‌ها با تأیید ایشان انجام و عملی می‌شوند و از

همان وظایفی که دادستان شهرستان برعهده دارد، مقام تعقیب که رئیس دادگاه بخش هم است، ملزم به رعایت آن‌ها بوده و از طرفی مکلف است که علی‌رغم اینکه شأن تعقیبی دارد هم‌زمان اقدام‌های تحقیقی درخصوص امر تعقیب‌شده را انجام دهد و خود را برای صدور رأی درخصوص همان موضوع را آماده کند؛ که ایرادهای زیادی به این امر وارد است که در آینده به آن‌ها اشاره خواهد شد.

۲- جایگاه و ویژگی اصلی مقام تحقیق

تا پیش از احیای دادرسی رسیدگی کیفری به صورت تک‌مرحله‌ای بود و قاضی دادگاه رأساً پس از انجام تحقیق‌های مقدماتی رسیدگی ماهوی و صدور رأی را هم برعهده داشت که نتیجه این امر؛ خروج از حالت بی‌طرفی قاضی رسیدگی‌کننده و تضییع حقوق متهم را در پی داشت که با احیای دادرسی و متعاقب آن تصویب قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ متصدی تحقیقات مقدماتی، شخصی غیر از مقام تعقیب و شخصی غیر از مقام محکمه رسیدگی‌کننده و صدور رأی است.

اصولاً و براساس ماده ۹۲ قانون آئین دادرسی کیفری اصلاحی ۱۳۹۴ تحقیق‌های مقدماتی تمامی جرائم برعهده بازپرس است؛ محل بازپرسی در دادسرا بوده و با ارجاع موضوعی ازسوی دادستان به بازپرس، وی مسؤول انجام تحقیق‌های مقدماتی است.

۲-۱- جایگاه مقام تحقیق در دادسرا

همان‌طور که در بالا اشاره شد تحقیق‌های مقدماتی تمامی جرائم برعهده بازپرس بوده و با ارجاع موضوع ازسوی دادستان به ایشان، وی نمی‌تواند از انجام تحقیق‌های مقدماتی به هر بهانه‌ای استنکاف کند مگر به تجویز قانون؛ برای مثال: در برخی امور نه‌تنها حق انجام امر تحقیق‌ها را ندارد بلکه الزاماً می‌بایست قرار امتناع از رسیدگی صادر کند و یا در موارد عدم صلاحیت که با صدور قرار عدم صلاحیت موضوع را به مرجع صالح ارجاع می‌دهد. (گلدوست‌جویباری و قلی‌پورجمانی: ۱۳۹۴)

طرفی به سایر دادستان‌های آن استان مدیریت، آموزش و تعلیم‌های علمی و عملی ارائه می‌کند.

از آنجا که تعقیب متهم ویژگی بارز مقام تعقیب بوده و ایشان با نمایندگی از جامعه تمامی اقدام‌های لازم در راستای تعقیب و دستگیری متهم انجام می‌دهد، پس همین که دادستان از وقوع جرم مطلع شود سریعاً و به نمایندگی از جامعه در راستای حفظ آلات عمل ارتكابی و تعقیب متهم و جمع‌آوری ادله جرم ارتكابی، وارد عمل شده و پس از انجام این امور پرونده را جهت انجام تحقیق‌های مقدماتی به بازپرس ارجاع می‌دهد.

دادستان با مدیریت اداری دادسرا به تعداد لازم دادیار در اختیار دارد که برخی امور را به ایشان محول می‌کند که البته تمامی اقدام‌های صورت‌گرفته ازسوی دادیار با تأیید دادستان عملی می‌شوند و دادیار مستقلاً حق انجام آن امور را ندارد. برای مثال در غیرجرائم موضوع ماده ۳۰۲ از قانون آئین دادرسی کیفری و در صورت کمبود بازپرس دادستان انجام تحقیق‌های مقدماتی را به دادیار ارجاع داده ولی تمامی قرارهای صادره ازسوی دادیار الزاماً می‌بایست به تأیید دادستان برسد.

انجام برخی امور حسبی مانند تعیین قیم برای افراد محجور به دادستان محول شده است که اصولاً در دادسراها اداره‌ای به نام اداره سرپرستی تشکیل شده که با مدیریت دادستان این موضوع رسیدگی و انجام می‌شود. (مهاجری، ۱۳۹۶)

شرکت در برخی جلسه‌های دادرسی دادگاه کیفری دو با نظر دادگاه و شرکت در تمامی جلسه‌های دادرسی دادگاه کیفری یک از دیگر وظایف دادستان است که یا شخصاً و یا به توسط یکی از معاونین ایشان انجام می‌شود.

۲-۱- جایگاه مقام تعقیب در دادگاه بخش

اساساً رسیدگی در دادگاه بخش هنوز به مانند دوران پیش از احیای دادرسی به صورت تک‌مرحله‌ای بوده و رئیس دادگاه هم در مقام تعقیب مسؤول کشف جرم و تعقیب متهم بوده و سپس اقدام‌های تحقیقی را انجام داده و پس از آن اقدام به صدور رأی کرده و درنهایت مجازات اعمال‌شده را اجرا می‌کند.

براساس قانون بازپرس تنها در صورت ارجاع پرونده از سوی دادستان، تکلیف رسیدگی دارد و اگر دادگاه بخش دارای رئیس و دادرس علی‌البدل باشد و رئیس پرونده را به دادرس علی‌البدل ارجاع دهد باز با این مشکل روبرو هستیم که چگونه ممکن است جانشین بازپرس به جانشین دیگر بازپرس ارجاع کند؟ زیرا در این حالت هر دوی آن‌ها جانشین بازپرس می‌باشند که در خصوص ابهام‌های ذکر شده راه‌حل‌های زیر ارائه شده است:

الف: در جایی که دادگاه بخش، تنها با رئیس اداره می‌شود ایشان به‌عنوان جانشین بازپرس تحقیق‌های مقدماتی را شروع می‌کند که در مورد پرونده‌های فاقد فوریت این امر با اندکی تسامح قابل‌پذیرش است. چراکه شروع رسیدگی توسط بازپرس بدون ارجاع دادستان تنها در پرونده‌های واجد فوریت مجاز است.

ب: در صورتی که دادگاه بخش دارای رئیس و دادرس علی‌البدل باشد دادرس علی‌البدل به‌عنوان جانشین دادستان پرونده را به رئیس دادگاه ارجاع می‌دهد که البته قدری قابل تأمل است. چه اینکه اگر دادرس جانشین دادستان و رئیس جانشین بازپرس محسوب شود و متعاقب آن در زمان تحقیق‌ها و صدور قرار ازسوی رئیس (در اینجا جانشین بازپرس) بین ایشان و دادرس (در اینجا جانشین دادستان) اختلاف نظر ایجاد شود، حل اختلاف با کدام دادگاه خواهد بود؟ یا اینکه آیا ایجاد حل اختلاف قابل تصور است یا خیر؟ (آخوندی، ۱۳۷۷)

۳- عوامل مؤثر بر نحوه رفتار دادستان در زمان تعقیب متهم

دادستان در زمان تعقیب به نمایندگی از جامعه قصد دارد تا به‌نحوی تکلیف خود را انجام دهد که آسایش سلب‌شده از جامعه را اعاده کند که این امر سبب تندى برخورد در برخی موارد شده و نتیجه این امر نادیده‌گرفتن پاره‌ای از حقوق متهم را به‌دنبال دارد.

۳-۱- تلاش برای اعاده آسایش سلب‌شده از جامعه

اینکه مدعی‌العموم در تعقیب متهم مدعی محسوب می‌شود و در راستای اعاده وضعیت ایجادشده ناشی از جرم ارتكابی، با رفتاری خاص قصد در تحصیل ادله جرم ارتكابی دارد خواه ناخواه سبب نادیده گرفتن حداقل حقوق متهم می‌شود و گاه

هرچند صدر ماده ۹۲ انجام تحقیق‌های مقدماتی تمامی جرائم را برعهده بازپرس قرار داده است ولی با اضافه کردن قیدی متصل به آن ماده موضوع را تخصیص داده و بیان داشته است که در غیرجرائم موضوع ماده ۳۰۲ از آن قانون و در صورت کمبود بازپرس، دادستان دارای تمامی وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس تعیین شده است که در این صورت دادستان یا خود رأساً درخصوص انجام تحقیق‌های مقدماتی اقدام می‌کند و یا در صورت وجود دادیار، موضوع را به دادیار ارجاع داده که تمامی قرارهای تأمین و نهایی صادره ازسوی دادیار می‌بایست به نظر و تأیید دادستان برسد.

در صورتی که دادستان انجام امر تحقیق را به دادیار ارجاع دهد به این جهت که تمامی اقدام‌های انجام‌گرفته ازسوی دادیار الزاماً می‌بایست به تأیید دادستان برسد، پس اختلافی حادث نخواهد شد ولی ارجاع موضوع تحقیق به بازپرس به‌سبب استقلال نسبی بازپرس احتمال وجود اختلاف بین دادستان و بازپرس در مواردی وجود دارد که حل اختلاف حادث شده با دادگاه صالح است. پس نتیجه اینکه بازپرس مستقلاً و در کمال بی‌طرفی و با رعایت حقوق متهم، موضوع تحقیق را انجام داده و درنهایت، قرار نهایی صادر می‌کند که استقلال در انجام امر تحقیق‌های مقدماتی رعایت اصل بی‌طرفی و رعایت حقوق متهم و تساوی همگان در برابر قانون را به‌دنبال خواهد داشت.

۲-۲- جایگاه مقام تحقیق در دادگاه بخش

مقام تحقیق در دادگاه بخش که اصولاً رئیس یا دادرسی علی‌البدل است. در برخی جرائم به جانشینی از بازپرس تحقیق‌های مقدماتی را انجام و سپس با صدور کیفرخواست ازسوی دادستان شهرستان پرونده را به دادگاه صالح یا دادگاه کیفری یک و یا دادگاه انقلاب با تعدد قضات ارسال می‌دارد که به این امر ایرادهایی وارد است: اینکه براساس قانون در این خصوص مقرر شده است که دادرس علی‌البدل و یا رئیس دادگاه بخش به جانشینی از بازپرس تحقیق‌های مقدماتی را انجام می‌دهند که اگر دادگاه بخش تنها با رئیس اداره شود که می‌بایست پرونده را بدون ارجاع رسیدگی کند. نظر به اینکه

جانشینی از بازپرس تحقیق‌های مقدماتی را آغاز می‌کند که در همین ابتدای امر، ایرادهای مهم و اساسی به شرح زیر به این موضوع وارد است:

۱- اصولاً انجام امر تحقیق از سوی بازپرس نیازمند ارجاع پرونده از سوی دادستان و یا رئیس حوزه قضائی است و در مواردی که بازپرس خود ناظر وقوع جرمی باشد اقدام‌های اولیه را تا رسیدن دادستان انجام داده و پس از آن در صورت ارجاع آن موضوع از سوی دادستان تحقیق‌های مقدماتی را انجام می‌دهد ولی در دادگاه بخش که بیشتر شخص واحد مسؤول انجام تمامی مراحل پرونده است موضوع ارجاع پرونده معنا ندارد هرچند در صورتی که دادگاه بخش هم رئیس و هم دادرس علی‌البدل داشته باشد آن‌گاه می‌توان گفت که رئیس دادگاه پرونده را به دادرس ارجاع داده و ایشان به جانشینی بازپرس موضوع تحقیق‌های مقدماتی را انجام می‌دهد.

۲- شخص واحد که در ابتدا موضوع تعقیب متهم را برعهده داشته است و با استفاده از ابزارهای غلبه‌ای و استفاده از ضابطان قضائی اقدام به دستگیری متهم کرده است و با نگاه جانبدارانه به متهم پرونده به جهت مدعی‌العموم بودن، بیشتر ظن مجرم بودن متهم برای مقام تعقیب ایجاد می‌شود که در زمان تحقیق مجدداً همان شخص که البته در این مرحله می‌بایست با رعایت اصل بی‌طرفی موضوع تحقیق را پیگیری کند و این امر مستلزم نبود وجود نگاهی خاص از قبل به متهم پرونده است، که به نظر می‌رسد این موضوع تأثیر بسیار مهمی در روند تحقیق دارد و مشکل بتوان هرچند با وجود ادله موجود بر علیه متهم، ظن ایجاد شده مقام تعقیب (تحقیق فعلی) را از بین برد و انجام تحقیق‌های مقدماتی با نگاه منفی و جانبدارانه به متهم، به قرار نهایی صحیحی ختم نخواهد شد.

اصولاً بازپرس که تحقیق‌های مقدماتی یک پرونده را آغاز می‌کند با جدیت تمام و بدون توجه به حواشی موجود در دادسرا و یا حتی اتفاق‌هایی که برای کادر دفتر شعبه محل کار خود، ایجاد می‌شود، با معطوف کردن نیروی ذهنی و علمی خود به آن پرونده به موضوع تحقیق رسیدگی کرده و در نهایت با

انگیزه ایجاد شده برای دادستان در مواردی که ظن بر احراز ارتکاب جرم توسط متهم، حاصل می‌شود، احتمال از بین رفتن حقوق اساسی متهم دوچندان می‌شود، که قانون‌گذار فهمیم زمانی که انجام امر تحقیق‌های مقدماتی را به شخصی غیر از دادستان واگذار می‌کند در پی اعاده حقوق از دست رفته احتمالی متهم بوده است چه اینکه بازپرس شخصی غیر از مدعی‌العموم و بی‌طرف بوده و با ذهنیتی متفاوت از مقام تعقیب در پی انجام تحقیق‌های مقدماتی صرف است. (خالقی، ۱۳۹۳)

مقام تعقیب‌ناگذیر در دستگیری متهم و حفظ ادله تحصیل جرم اصل بی‌طرفی را نادیده گرفته و در راستای حفظ حقوق جامعه برخی از حقوق متهم را نادیده بگیرد اما این امر در زمان تحقیق مقدماتی برای بازپرس به‌گونه دیگری است و الزاماً می‌بایست ابتدائی‌ترین حقوق متهم را در نظر داشته باشد.

۳-۲- تسریع در دستگیری متهم

در زمان آگاهی مقام تعقیب از وقوع جرم به جهت جلوگیری از فرار متهم و یا حفظ آلات جرم، ناچاراً می‌بایست با استفاده از قوایی که در اختیار دارد بعضاً با قهر و غلبه درخصوص متهم رفتار کند که همین امر سبب از بین رفتن پاره‌ای از حقوق متهم می‌شود ولی در زمان تحقیق استفاده از چنین ابزاری ممنوع بوده و بازپرس در کمال بی‌طرفی می‌بایست تحقیق‌های مقدماتی را انجام دهد. سرعت عمل در دستگیری متهم و یا انجام اقدام‌های اولیه در راستای جلوگیری از فرار ایشان، سبب می‌شود تا رفتاری خاص از سوی مقام تعقیب علیه متهم صورت گیرد ولی همین اقدام‌ها زمانی که از سوی مقام تحقیق انجام می‌گیرد به‌نحو دیگری است و بازپرس مکلف است که با رعایت اصل بی‌طرفی تمامی حقوق متهم را رعایت کند.

۳-۳- مقام تحقیق در دادگاه بخش

در دادگاه بخش که اصولاً با رئیس دادگاه به تنهایی اداره می‌شود پس از انجام امر تعقیب به جهت شروع به تحقیق‌های مقدماتی نه‌تنها موضوع ارجاع منتفی است بلکه مجدداً و پس از اقدام‌های امر تعقیب، در مقام بازپرس و یا به‌عبارت بهتر به

دادگاه بخش در ابتدای امر با تعقیب متهم تا زمان دستگیری و جمع‌آوری ادله، قادر است که حقوق متهم مندرج در قوانین موضوعه و اصول قانون اساسی را رعایت کند ولی پس از شروع مرحله تحقیق که همان شخص واحد که قبلاً امر تعقیب را انجام داده بود و با جهت‌گیری ذهنی که از قبل درخصوص متهم داشته است تحقیق‌های مقدماتی را آغاز می‌کند. حال این پرسش مطرح است که آیا حقوق این متهم در زمان تحقیق به‌نحوی که اگر همین متهم همان جرم را در نزدیک‌ترین شهرستان همان بخش مرتکب می‌شد رعایت می‌شود یا خیر؟ به‌نظر می‌رسد که جواب منفی است چه اینکه بی‌شک حداقل‌ترین حقوق این متهم نادیده گرفته خواهد شد. مگر نه اینکه الزاماً می‌بایست شخصی بی‌طرف تحقیق‌های مقدماتی را انجام دهد؟ حال اینکه همان مقام تعقیب که رئیس دادگاه بخش بوده موضوع تحقیق را برعهده گرفته است. (آشوری و دیگران، ۱۳۸۳)

۳-۶- تأثیر وحدت مقام تعقیب و تحقیق در صدور رأی

در زمان رسیدگی به ادله در محکمه وضع به‌گونه دیگری است چه اینکه دادگاه پس از مطالعه پرونده و دقت در ادله ارائه‌شده له یا علیه متهم و کیفرخواست صادره و اینکه آیا حقوق متهم در زمان تفهیم اتهام و یا اخذ آخرین دفاع و مدت زمان میزان بازداشت و قرارهای صادره از سوی مقام تحقیق، رعایت شده است یا خیر، امر رسیدگی را شروع کرده و دفاعیات متهم را استماع کرده و درنهایت اقدام به صدور رأی می‌کند. پس الزاماً می‌بایست شخصی خارج از مقام‌های تعقیب و تحقیق موضوع رسیدگی و صدور رأی را دنبال کند ولی در دادگاه بخش رئیس دادگاه خود شخصاً مجدداً در کرسی رئیس دادگاه به موضوع اتهام متهم رسیدگی می‌کند و نه‌تنها به سختی می‌تواند جهت‌گیری ذهنی قبلی خود را درخصوص محکومیت و یا برائت متهم حذف کند بلکه نمی‌توان متصور بود که به اشتباهات خود درخصوص حقوق همان متهم در زمان تعقیب و تحقیق پی برده و سعی در اصلاح آن کند.

رعایت اصل بی‌طرفی و حفظ تمامی حقوق متهم قرار نهائی لازم را صادر می‌کند ولی در دادگاه بخش که با رئیس اداره می‌شود هم‌زمان با انجام امر تحقیق موضوع‌های متعددی ایجاد می‌شود که ناچاراً می‌بایست به‌صورت هم‌زمان به تمامی آن‌ها توجه و دقت لازم را داشته باشد. به‌عنوان نمونه زمانی که ذهن خود را به شدت معطوف جلسه رسیدگی تحقیق‌های مقدماتی کرده، جلسه اداری با سازمانی دیگر که از قبل هماهنگ شده باشد و یا وضعیت حادی برای احدی از کارکنان ایجاد شود و یا نیاز به حضور هم‌زمان وی در محلی خارج از دادگاه ایجاد شود، آیا می‌توان متصور بود که تحقیق آن جلسه مفید واقع شده بود؟ مسلماً پاسخ منفی است چه اینکه رئیس دادگاه به ناچار می‌بایست به تمامی اتفاقات‌های حواشی حوزه قضائی خود دقت لازم را داشته باشد و همین امر از قدرت ذهنی وی در زمان استماع اظهارات متهم در امر تحقیق می‌کاهد.

۳-۵- لزوم بی‌طرفانه بودن فرایند تحقیق

لزوم رعایت بی‌طرفی در فرایند رسیدگی به یک پرونده کیفری به هیچ‌وجه محدود به مرحله رسیدگی در دادگاه نبوده و تمام مراحل تعقیب جرم، تحقیق‌های مقدماتی، صدور حکم و اجرای مجازات را در بر می‌گیرد. منظور از بی‌طرفی، بی‌طرفی ناشی از شخصیت فردی بازپرس نیست بلکه منظور بی‌طرفی ناشی از ویژگی ساختاری نهاد بازپرسی است. هر انسانی خلق‌و‌خوی خود را دارد، شیوه زندگی اجتماعی، تاریخی، موقعیت جغرافیایی و عوامل اقتصادی در هر قوم، اخلاق و ارزش‌هایی به‌وجود می‌آورد که همراه با وضع ویژه دادرس، وجدان اخلاقی او را شکل می‌بخشد. (کاتوزیان، ۱۳۷۷)

مقام تحقیق در دادگاه بخش که ابتدا به‌عنوان مقام تعقیب در اولین برخورد با نخستین دلایل، جهت‌گیری خاصی به سمت مجرمیت و یا برائت متهم گرفته، در زمان تحقیق به سختی می‌توان آن جهت‌گیری ذهنی را تغییر داد که همین امر اساسی‌ترین ایراد به وحدت این دو مقام در دادگاه بخش بوده و به راحتی ناقض اصل بی‌طرفی در مقام تحقیق خواهد بود.

۳-۴- حقوق متهم در دادگاه بخش

نتیجه‌گیری

یکی از بارزترین ویژگی‌های حاکم بر نظام‌های دادرسی مختلط اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق است و تحقیق‌های مقدماتی تمامی جرائم می‌بایست برعهده مقام تحقیق مستقلی به نام بازپرس قرار دارد و تعقیب جرم از وظایف دادستان باشد. این اصل هرچند مورد قبول قانون‌گذار ایران قرار گرفته است ولی در موارد متعددی از جمله در دادگاه بخش از آن عدول شده و نادیده گرفته شده است.

لزوم رعایت اصل بی‌طرفی در زمان تحقیق بی‌شک مورد قبول قانون‌گذار و در این خصوص دکترین به اجماع رسیده است. حال اینکه دادستان را به‌عنوان مدعی‌العموم جانبدار به حساب می‌آورند که در دادگاه بخش و در پاره‌ای موارد در دادگاه‌های دیگر، وحدت مقام تعقیب و تحقیق این اصل را دچار خدشه کرده است.

رعایت حقوق متهم در تمامی مراحل دادرسی از نتایج بارز عدالت دادرسی کیفری می‌باشد که به‌نظر می‌رسد در دادگاه بخش نمی‌توان این نتیجه مهم را به‌دست آورد چه‌اینکه متهمی که از سوی شخص مقام تعقیب تحت پیگرد بوده است و مجدداً در زمان تحقیق هم نزد وی به دفاعیات خود پرداخته و از طرفی همان شخص اقدام به محاکمه و متعاقباً صدور رأی کرده است، نمی‌توان متصور بود که تمامی حقوق ایشان لحاظ شده است. از طرفی در زمان اجرای حکم هم براساس تأسیس‌های حقوقی لحاظ کردن تعلیق اجرای مجازات و آزادی مشروط و غیره برای محکومی که نزد مقام تعقیبی تحت پیگرد بوده است که از همان ابتدا جهت‌گیری ذهنی مجرمیت برای وی ایجاد شده بوده، دور از ذهن به‌نظر می‌رسد.

۱- الزاماً می‌بایست دادگاه بخش با رئیس و دادرس علی‌البدل و یا بازپرس اداره شود و ارجاع پرونده‌های کیفری از سوی رئیس به دادرس یا بازپرس به جهت انجام تحقیق‌های مقدماتی صورت‌گرفته و پس از صدور قرار نهایی از سوی ایشان، رئیس دادگاه درخصوص محاکمه و صدور رأی اقدام کرده و مجدداً اجرای مجازات برعهده دادرس یا بازپرس قرار گیرد و

پرونده‌های حقوقی مستقیماً از سوی رئیس مورد رسیدگی واقع شده و در صورت وجود دادرس بعضاً توسط ایشان و با ارجاع از سوی رئیس رسیدگی شوند.

۲- در پرونده‌هایی که تنها تحقیق‌های مقدماتی آن‌ها برعهده دادگاه بخش می‌باشند رئیس هم می‌تواند به جانشینی از بازپرس، تحقیق‌های مقدماتی را انجام داده و پرونده را به دادگاه صالح با صدور قرار نهایی ارجاع دهد.

۳- به جهت رعایت اصل بی‌طرفی و حقوق متهم، هرگاه رئیس دادگاه موضوع تعقیب را انجام داده، تحقیق‌های مقدماتی را به دادرس یا بازپرس واگذار کرده و یا برعکس درخصوص پرونده‌هایی که دادرس یا بازپرس بدو موضوع تعقیب را پیگیری کرده است رئیس به جانشینی از بازپرس تحقیق‌های اولیه را برعهده گرفته و صدور رأی را به دادرس محول می‌کند.

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارد.

سهم نویسندگان

نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش توسط نویسنده صورت گرفته است.

تضاد منافع

این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

منابع و مأخذ

- آخوندی، محمود (۱۳۷۷). *آئین دادرسی کیفری*. جلد دوم، چاپ پنجم، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آشوری، محمد و دیگران (۱۳۸۳). *حقوق بشر و مفاهیم مساوات، انصاف و عدالت*. تهران: نشر گرایش.

- گلدوست‌جویباری، رجب و قلی‌پورجمنانی، فرامرز (۱۳۹۲).
عدول از اصل تفکیک مقام تعقیب از مقام تحقیق در آیین
دادرسی کیفری. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- خالقی، علی (۱۳۸۸). آئین دادرسی کیفری. چاپ دوم، تهران:
شهر دانش.
- خالقی، علی (۱۳۹۳). نکته‌ها در قانون آئین دادرسی کیفری.
چاپ اول، تهران: شهر دانش.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). فلسفه حقوق. جلد سوم، چاپ اول،
تهران: شرکت سهامی انتشار.
- هادی‌زاده، رضا (۱۳۹۰). بررسی اصل تفکیک مقام تعقیب از
مقام تحقیق در آیین دادرسی کیفری ایران. پایان‌نامه
کارشناسی‌ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق
دانشگاه شهید بهشتی.
- مهاجری، علی (۱۳۹۶). تأثیر نهاد دادرسی در دادگاه عمومی
بخش. آموزش و تحقیقات قوه قضائیه.



Volume 1, Issue 2, 2020

Accused Rights in District Court,
from Prosecution to Execution of Sentences **General and absolute
advocacy, while similar, belong to two separate issues**

Ali Sohrab Zadeh ^{1*}

1. PhD student in Private Law, Islamic Azad University, Ahwaz, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 45-53

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: 0000000000

Email: Ali.sadra0021@gmail.com

Article history:

Received: 17 May 2020

Revised: 26 Jul 2020

Accepted: 31 Jul 2020

Published online: 22 Sep 2020

Keywords:

*Prosecution, Investigation,
District Court, Principle of
Impartiality.*

ABSTRACT

Criminal justice is achieved when the principles, rules and regulations of criminal justice are properly observed in all stages of preliminary and judicial research and there is no flaw in this process. The Iranian criminal justice system after many changes and adherence to other system, with the approval of the Criminal Procedure Code adopted in 1392 and its amendments in 1394, the district court, which is basically run by the head of the department or alternate judge alone. Slowly, the person in charge of prosecuting the accused has been investigated, tried, sentenced and executed, whereas if the same accused had committed the same crime in the nearest city of that district, the situation would have been different. One of the pillars of criminal justice is to observe the principle of impartiality, which is mandatory in all stages of the trial, but the single person who first encounters the accused in the position of prosecution is faced with various mentalities until the end of the preliminary investigation and trial, in the stage the issuance of a sentence is likely to impair the observance of the principle of neutrality in terms of creating a special mental state, which this article seeks to state the rights of the accused in state of wavering the principle of neutrality.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2020 The Authors.

How to Cite This Article: Sohrab Zadeh, A (2020). "Accused Rights in District Court, from Prosecution to Execution of Sentences". *Journal of Contemporary Legal Thought*, 1(2): 45-53.